ترس از عود بیماری، اختلال سازگاری، کاهش کیفیت زندگی و فرسودگی مراقبان، بخشی از چالش‌هایی است که این بیماران و خانواده‌های آنان ممکن است با آن مواجه شوند.

در چنین شرایطی، خدمات روان‌پزشکی هرچند ضروری است، اما در بسیاری از موارد به تنهایی پاسخگوی همه نیازهای سلامت روان بیمار نیست. روان‌شناسی و روان‌درمانی نیز باید در کنار درمان پزشکی، به عنوان بخشی از زنجیره مراقبت جامع مورد توجه قرار گیرد.این موضوع در مورد بیماران خاص و صعب‌العلاج اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اگرچه خدمات روان‌پزشکی در بسته خدمتی این بیماران پیش‌بینی شده است، توجه به خدمات روان‌شناختی و روان‌درمانی متناسب با نیاز آنان می‌تواند گام دیگری برای تکمیل این بسته و حرکت به سوی مراقبت جامع‌تر باشد.ماهیت مزمن و فرساینده بسیاری از بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج، بیمار و خانواده او را برای مدت طولانی در معرض فشارهای جسمی، روانی و اقتصادی قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، محدود بودن پوشش بیمه‌ای روان‌درمانی می‌تواند پرداخت از جیب را افزایش داده و در برخی موارد، زمینه تأخیر یا قطع درمان را فراهم کند.

نوجوانان و سالمندان نیز از گروه‌هایی هستند که در سیاست‌گذاری سلامت روان نیازمند توجه ویژه‌اند. نوجوانی دوره‌ای حساس از رشد جسمی، روانی و اجتماعی است و مشکلات این دوره می‌تواند بر مسیر آینده زندگی فرد اثرگذار باشد. سالمندان نیز، به‌ویژه در صورت ابتلا به بیماری‌های مزمن، ممکن است با مسائلی همچون انزوای اجتماعی، افسردگی و کاهش کیفیت زندگی مواجه شوند. بنابراین، پوشش بیمه‌ای خدمات سلامت روان باید متناسب با نیازهای گروه‌های مختلف جمعیتی طراحی و توسعه پیدا کند.

تکمیل پوشش بیمه‌ای؛ یک ضرورت

یکی از پیشنهادهای قابل بررسی، تعریف «بسته حمایتی خدمات روان‌شناختی و روان‌درمانی» به عنوان مکمل بسته موجود بیماران خاص و صعب‌العلاج و ورود رسمی آن به نظام خرید خدمات بیمه‌ای است.این بسته می‌تواند خدماتی همچون ارزیابی روان‌شناختی، روان‌درمانی فردی و خانوادگی، مداخلات بحران، آموزش و حمایت از مراقبان و در موارد لازم، خدمات مرتبط با سوگ و مراقبت تسکینی را دربرگیرد. همچنین تعهد بیمه‌ای بهتر است صرفاً به سقف ثابتی از جلسات محدود نشود و تعداد جلسات و استمرار پوشش، با توجه به ارزیابی تخصصی، شدت بیماری، وضعیت روانی فرد و مرحله درمان تعیین و در صورت نیاز تمدید شود.

در کنار آن، می‌توان برای نوجوانان و سالمندان مسیرهای حمایتی متناسب با نیازهای آنان تعریف کرد و برای گروه‌های دارای ریسک بالاتر، سطح پوشش بیمه‌ای مناسب‌تری در نظر گرفت.البته توسعه پوشش بیمه‌ای زمانی اثربخش خواهد بود که سازوکار خرید خدمت نیز متناسب با آن اصلاح شود. قرارداد با روان‌شناسان باید با تعرفه‌های منصفانه، پرداخت به‌موقع مطالبات، ثبت الکترونیک خدمات و مسیر ارجاع ساده و قابل دسترس همراه باشد تا هم مشارکت ارائه‌دهندگان افزایش یابد و هم بیمه‌شدگان بتوانند بدون موانع پیچیده از خدمات مورد نیاز خود استفاده کنند.

از سوی دیگر، ارزیابی مستمر اثربخشی این خدمات نیز ضروری است. شاخص‌هایی مانند تداوم درمان، میزان کاهش پرداخت از جیب بیمه‌شدگان، رضایت بیماران، دسترسی واقعی به خدمات و بهبود کیفیت زندگی می‌تواند در ارزیابی عملکرد این پوشش مورد توجه قرار گیرد.در نهایت، سلامت روان نباید در حاشیه درمان بیماری‌های جسمی قرار گیرد. بیمه سلامت می‌تواند با توسعه و هدفمند کردن پوشش خدمات روان‌شناختی و روان‌درمانی، نقش مهمی در تکمیل زنجیره درمان و کاهش بار اقتصادی و روانی بیماری‌ها ایفا کند.

اگر هدف نظام سلامت، مراقبت از انسان به عنوان یک موجود دارای ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی است، پوشش بیمه‌ای خدمات سلامت روان نیز باید متناسب با نیاز واقعی جامعه توسعه یابد؛ چرا که درمان جسم بدون توجه به روان، در بسیاری از موارد درمانی ناتمام است و بیمه سلامت می‌تواند حلقه پیوند این دو باشد.